

نگاهی اجمالی به:

مفهوم نمایندگی

قاسم کامیاب چناری^۱

چکیده:

اشخاص می‌توانند اعمال نیابت‌پذیر خود را به دیگران واگذار نمایند. این اعمال همان اقداماتی است که افراد فی‌نفسه صلاحیت انجام آن را دارند. اما به دلایلی ترجیح می‌دهند که انجام آن‌ها را به دیگران محول کنند. به بیان دیگر، بنا بر اصل حاکمیت اراده اشخاص مختار هستند کارهایی را که شخصاً برای انجام آن صلاحیت دارند، به نمایندگان واگذار کنند؛ بدین طریق، نهاد نمایندگی به عنوان یک تأسیس حقوقی شکل می‌گیرد و نمایندگان به حکم قانون یا قرارداد و یا به حکم دادگاه اعمال مختلف را به نام و حساب شخص دیگری انجام می‌دهند که نتایج اقدامات آن‌ها متوجه شخص اصیل می‌گردد. در منابع فقهی اسلامی، نمایندگی با الفاظی نظیر «حفیظ»، «نایب»، «وکیل» و غیره مورد اشاره قرار گرفته است و اصل بر قابلیت توکیل اعمال است و مباشرت، شرط نیست. در حقوق ایران هم در قانون تجارت و هم در قانون مدنی، مصادیقی از نمایندگی و قائم‌مقامی ذکر شده است. در حقوق فرانسه نیز مصادیق نمایندگی در موارد زیادی با حقوق ایران منطبق است.

شایان ذکر است که نمایندگی به اعتبار مبنا و به اعتبار نقش نمایندگان در تحمل آثار عقود دارای اشکال مختلف می‌باشد. مع‌الوصف به نظر می‌رسد مفهوم نمایندگی در حقوق ایران به خوبی تحلیل و تبیین نشده و مباحث آن نیز بسیار پراکنده است. این پژوهش ضمن نگاه اجمالی به مفهوم نمایندگی در حقوق، اشکال آن را مورد تشریح و بررسی قرار داده است تا راهگشا واقع گردد.

واژگان کلیدی: نمایندگی، نمایندگی قراردادی و قانونی و قضایی، نمایندگی مستقیم و نمایندگی

ناقص.

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۸۶ بندرانزلی و مدرس دانشگاه.

گفتار یکم: معنای لغوی

از نظر لغوی، نمایندگی به معنای نماینده بودن، کارگزار کسی بودن، نیابت از کسی داشتن و وکالت مجلس و آژانس به کار رفته است. نماینده، اسم فاعل از فعل «نماییدن» است و نماییدن به معنای جلوه دادن، نشان دادن علامت، دلیل و نشانه چیزی یا کسی بودن آمده است.^۱ در زبان فرانسه representation و agence در معنای نمایندگی به کار رفته و representant و agent به کسی اطلاق می شود که به عنوان کارگزار و عامل دیگری و به اذن وی اعمالی را انجام می دهد که اثر آن متوجه اذن دهنده است. واژه ای agence ریشه لاتین داشته و فعل لاتین آن agree و ago بوده و واژه های agents و agentis در معنای اسمی به کار می رود. برخی مؤلفان عرب به تقلید از فقها اصطلاح «نیابت» را به همین معنا به کار برده اند.^۲ نیابت نیز از نظر لغوی به معنای قائم مقامی، جانشینی و به جای کسی کاری یا امری را انجام دادن به کار می رود.^۳ و بدین دلیل، به کار بردن لفظ نیابت برای نمایندگی بی مناسبت نیست و ماده ی ۶۵۶ قانون مدنی ایران نیز این معنا از نیابت را تأیید کرده است.^۴

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی نمایندگی

در تعریف «نماینده» آورده اند که وی شخصی است که قانوناً دارای اختیار و قدرت در ایجاد یا تغییر حقوق و تکالیف قانونی و روابط شخص دیگری که اصیل خوانده می شود، می باشد.^۵ در تعریف دیگر از نمایندگی آمده است؛ «نماینده کسی است که به استناد قانون یا قرارداد یا حکم دادگاه ها، اعمالی را به نام و به حساب شخص دیگر انجام می دهد که نتیجه اقدامات وی

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، ج. ۴، ص. ۴۸۱۳.

۲. السنهوری، عبدالرزاق احمد، نظریه العقد، ص. ۲۰۶، ش. ۱۹۷.

۳. معین، همان، ص. ۴۸۷۷.

۴. همان.

۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی «قواعد عمومی قراردادها»، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۱، ج. ۲۰، ص. ۵۴.

متوجه آن شخص می‌گردد».^۱

گفتار سوم: نمایندگی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه

الف - نمایندگی در حقوق اسلام

نمایندگی از جمله نهادهای مهم مطرح در منابع فقهی بوده و در منابع اسلامی با الفاظی مثل «نایب»، «وکیل» و «حفیظ» از آن یاد شده است. آیه ۲۳۷ سوره بقره می‌فرماید: «... إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بَيْنَهُ عَقْدَةُ النِّكَاحِ ...» که در آن به شخصی که گره نکاح به‌دست او گشوده می‌شود اشاره دارد؛ اعم از وکیل، ولی و وصی.

آیه ۱۹ سوره کهف نیز می‌فرماید: «... فَأَبْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ...» یکی را از میان خود برگزینید و پول‌ها را به او بدهید تا برای شما غذا بخرد. این عمل، نمایندگی و نماینده مبعوث از سوی دیگری است.

برخی نیز در تأیید تأسیس وکالت و نمایندگی، به سیره پیامبر اکرم (ص)، استناد می‌نمایند.^۲ در کتب و منابع فقهی هم بر جواز و مشروعیت وکالت استدلال شده است.^۳ در فقه، اصل بر قابلیت توکیل اعمال است مگر این‌که مباشرت خود موکل شرط شده باشد همانند سوگند و قسامه. علاوه بر مطرح بودن عقد وکالت به‌عنوان یکی از عقود اسلامی، در وصیت، ولایت و قیمومت نیز می‌توان ریشه‌های نظریه نمایندگی را ملاحظه کرد. بنابراین در حقوق اسلام از همان آغاز، انجام معامله به نیابت پذیرفته شد و وکالت به‌عنوان یکی از عقود معین در زمره نهادهای حقوقی درآمد و نیابت در همه اعمال حقوقی، جز آن‌چه مباشرت در آن شرط است، پذیرفته شد و رجوع مستقیم طرف قرارداد به موکل و امکان دعوی موکل بر کسی که نماینده او طرف معامله قرار گرفته است، از آثار نمایندگی قرار گرفت. با وجود این، نفوذ

۱. آخوندی، رضا، *عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه*، نشر دادگستر، چ. اول ۸۴، ص. ۲۴.

۲. کاتبی، حسینقلی، *وکالت*، تهران، انتشارات آبان، چ. ۲، ۱۳۵۷، صص. ۱۹ تا ۲۳.

۳. ربک: همان، ص. ۶۹ به بعد.

حقوق رم، یا دست کم شباهت با آن، در پاره ای از فتاوی که امکان رجوع طرف قرارداد به وکیل را تأیید کرده‌اند، آشکار دیده می‌شود.^۱

به‌ویژه نظر نقل شده از ابوحنیفه که به‌موجب آن «اگر وکیل مالی را برای موکل بخرد، آن مال ابتدا در ملک وکیل وارد می‌شود سپس به موکل انتقال می‌یابد. زیرا حقوق ناشی از عقد به وکیل تعلق دارد».^۲

ب - نمایندگی در حقوق ایران

در مورد نمایندگی در ایران باستان اطلاعات چندانی در دست نیست اما در ایران بعد از اسلام، حقوق با فقه گره خورد.^۳ با شروع تدوین قوانین از دوره ناصری و تصویب قانون مدنی در دوره پهلوی، به این موضوع نیز توجه گردید. قانون مدنی به‌ذکر مصادیقی از نمایندگی به تقلید از فقه امامیه و قانون مدنی فرانسه بسنده کرده و نسبت به نظریه کلی نمایندگی سکوت اختیار نموده است.

این سکوت نیز در سایر قوانین جبران نشده و فقط اصطلاحات نایب، نماینده قانونی، نمایندگی، نماینده و قائم‌مقام تجاری در قوانین مدنی، تجارت، کار و برخی مقررات دیگر آمده است. (مواد ۵۶، ۱۱۸۳ و ۱۲۳۵ ق.م. و مواد ۳۴، ۷۶ و ۱۴۶ ق.آ.د.م. سابق و مواد ۱۰۲، ۱۱۰ و ۱۳۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت و مواد ۱۰۵ و ۴۰۱ و عنوان باب نهم قانون تجارت و ماده ۳ قانون کار سابق).

از مواد ۱۹۶ و ۲۴۷ ق.م. هم قبول نظریه نمایندگی در حقوق ایران قابل استنباط است.^۴ ماده ۱۹۶ ق.م. مقرر می‌دارد: «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب می‌شود مگر این‌که در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود...». هم‌چنین ماده ۲۴۷ ق.م. اشعار

۱. کاتوزیان، همان، ص. ۵۵.

۲. علامه جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه حلی) تذکره الفقهاء، مؤسسه نشر کتابخانه مرتضوی ج. ۲، ص. ۱۳۰.

۳. همان، صص. ۲۶ تا ۲۸.

۴. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج. ۲، نشر میزان، چ. اول، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۶.

می‌دارد: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو این که صاحب مال باطنا راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجاره نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود».

بنابراین هر چند نمایندگی در حقوق ایران به طور عام تعریف نشده است ولی بر مبنای مواد مذکور، نمایندگی را می‌توان چنین تعریف کرد: «رابطه‌ای است حقوقی که به موجب آن نماینده می‌تواند به نام و به حساب اصیل در انعقاد قراردادی شرکت کند که آثار آن به طور مستقیم دامن گیر اصیل می‌شود»^۱.

بدین ترتیب عقد به وسیله نماینده و برای اصیل بسته می‌شود؛ قصد انشاء و اعلام اراده و تراضی با نماینده است ولی این تراضی به مناسبت اختیاری که او دارد، اصیل را ملتزم می‌کند.

ج - نمایندگی در حقوق فرانسه

قانون مدنی فرانسه در بیان تعریفی از عقد وکالت در ماده‌ی ۱۹۸۴ می‌گوید: «وکالت یا نمایندگی عمل حقوقی است که به موجب آن شخصی به دیگری اختیار می‌دهد که به نام و به حساب او عملی را انجام دهد». هم‌چنین ماده‌ی ۱۹۹۸ همان قانون مقرر می‌دارد: «موکل باید کلیه تعهداتی را که وکیل در حدود اختیارش کرده است، انجام دهد. در مورد آن چه که خارج از حدود وکالت انجام شده موکل هیچ تعهدی نخواهد داشت مگر این که عمل وکیل را صراحتاً یا ضمناً تأیید نماید».

با توجه به تعاریف مذکور به طور کلی باید گفت: «نمایندگی رابطه‌ای است حقوقی که براساس آن فردی به دیگری اختیار و سلطه‌ای می‌دهد که براساس آن، شخص مأذون می‌تواند در حدود اختیارات اعطاشده، اقداماتی را اعم از حقوقی و مادی به نام و به حساب وی انجام دهد»^۲.

شایان ذکر است که نمایندگی در حقوق فرانسه و ایران در موارد زیر با هم منطبق است:

۱ - نمایندگی، عقد و قرارداد است. (مواد ۱۸۳، ۶۵۶ و ۶۵۷ قانون مدنی ایران و ماده‌ی ۱۹۸۴ قانون مدنی

فرانسه).

۱. کاتوزیان، حقوق مدنی، عقود اذنی و وثیقه‌های دین (عقود معین)، ج. ۳، انتشارات میزان، چ. اول، ۱۳۷۸، ش. ۹۹.

۲. آخوندی، همان، ص. ۲۶.

۲ - نماینده در حدود اذن، از تعالیم و دستورهای «اصیل» تبعیت می‌کند. (مواد ۶۶۳ و ۶۶۷ قانون مدنی ایران و ماده‌ی ۱۹۸۹ قانون مدنی فرانسه).

۳ - اعمال نماینده به حساب اصیل بوده؛ بنابر این، نماینده باید حساب عملکردش را پس دهد. (ماده‌ی ۶۶۸ قانون مدنی ایران و ۱۹۹۳ قانون مدنی فرانسه).

۴ - آثار اعمال نماینده متوجه اصیل است. (ماده‌ی ۶۷۴ قانون مدنی ایران و ماده‌ی ۱۹۹۸ قانون مدنی فرانسه).

از انواع نمایندگی می‌توان به نمایندگی قراردادی، نمایندگی قانونی، نمایندگی قضایی، نمایندگی مستقیم یا بی‌واسطه و نمایندگی با واسطه یا ناقص نام برد که تفصیل آن به شرح زیر است؛

گفتار چهارم: انواع نمایندگی

۱- نمایندگی قراردادی

نمایندگی قراردادی، نوعی نمایندگی است که در آن شخص به میل خویش به دیگری نیابت می‌دهد تا امر حقوقی را به نام و به حساب او به‌جا آورد و نمونه‌ی بارز و شکل سنتی آن عقد وکالت است.^۱

در این نوع نمایندگی، نماینده براساس توافق و تراضی با اصیل، اقداماتی را برای وی انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، مبنای این نوع نمایندگی نه قانون است و نه حکم دادگاه؛ بلکه توافق اصیل و نماینده است. نمایندگی قراردادی، از تراضی، اذن و اختیار اصیل حاصل می‌گردد و نتیجه‌ی این اذن و اختیار، برحسب موضوع و شرایط قرارداد، ایجاد سلطه و اختیار برای نماینده در حقوق مالی و غیرمالی اصیل است. از این جهت عقد وکالت، نوعی از نمایندگی است ولی باید توجه کرد که مفهوم نمایندگی فراتر از وکالت بوده و نباید این دو را کاملاً معادل یکدیگر تلقی کرد. به عنوان مثال، در وصایت، نوعی از نمایندگی وجود دارد. با این حال، وصایت را نمی‌توان وکالت به معنای خاص حقوقی آن دانست. هم‌چنین قانون‌گذار عمل فضولی تنفیذ شده

۱. کاتوزیان، همان، ص. ۵۵.

به وسیله اصیل را نوعی نمایندگی دانسته است،^۱ در صورتی که مسلماً این اعمال را نمی‌توان اعمال وکالتی برشمرد.

۲- نمایندگی قانونی

اساس این نوع نمایندگی این است که قانون عده‌ای را نماینده‌ی افراد دیگری قرار داده است مثل ولی و نمایندگی مدیر تصفیه در اداره‌ی اموال ورشکستگان. به عنوان نمونه قانون مدنی در ماده‌ی ۱۱۸۳ می‌گوید: «در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او می‌باشد».

۳- نمایندگی قضایی

مبنای این نوع نمایندگی، حکم دادگاه است. قاضی به حکم قانون و بدون رضای اصیل، نماینده‌ای را برای وی تعیین می‌کند. مثل نصب امین در اداره اموال غایب مقفودالایر و انتخاب قیم برای صغیر فاقد ولی و وصی.^۲ ریشه‌ی این نمایندگی نیز حکم قانون است با این تفاوت که انتخاب نماینده با دادگاه است و به‌همین اعتبار، نمایندگی قضایی نامیده می‌شود.^۳ در این خصوص ماده‌ی ۲۲۲ ق.م. می‌گوید: «در صورت عدم ایفای تعهد با رعایت ماده فوق، حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است، اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تأدیه مخارج آن محکوم نماید».

۴- نمایندگی مستقیم یا بی واسطه

در این نوع نمایندگی، نماینده پس از انعقاد قرارداد از میان دو طرف عقد حذف می‌شود. حقوق ناشی از قرارداد به دو طرف می‌رسد و تعهدها نیز بر آنان تحمیل می‌شود. در این فرض، نماینده به‌نام و به حساب اصیل معامله می‌کند و به‌همین جهت آن را نمایندگی کامل نیز گفته‌اند.^۴

در شرکت‌های تجاری، این نمایندگان کسانی هستند که نماینده‌ی شخص حقوقی می‌باشند و حقوق و وظایف و اختیارات آن‌ها طبق قانون و اساسنامه و مقررات داخلی شرکت

۱. امیری قائم مقامی، همان، ص. ۱۴۰.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چ. ۸، ۱۳۷۶، ج. ۵، ص. ۴۶۸.

۳. کاتوزیان، همان، ص. ۵۶.

۴. همان، ص. ۱۱۳.

تعیین می‌شود و هیچ‌کدام از آن‌ها سمت تاجر ندارند بلکه به‌عنوان نماینده‌ی شرکت عملیات تجارتي شرکت را انجام می‌دهند.^۱

۵- نمایندگی با واسطه یا ناقص

این نوع نمایندگی در دو مرحله انجام می‌گیرد: در مرحله‌ی نخست؛ قرارداد به‌نام نماینده و به‌حساب اصیل بسته می‌شود و هیچ رابطه‌ی حقوقی مستقیمی میان اصیل و طرف دیگر قرارداد به‌وجود نمی‌آید. برعکس، نماینده است که نظم قراردادی بر او حکومت پیدا می‌کند. در مرحله‌ی دوم؛ رابطه داخلی میان اصیل و نماینده باقی است. اصیل باید تعهدهای ناشی از عقد را به‌جا آورد و نماینده نیز متعهد است که حقوق کسب‌شده را به اصیل بدهد. در نتیجه، همین انتقال طلب نیز برای اصیل تحقق پیدا می‌کند که به طرف قرارداد رجوع کند؛ مانند وضعی که در حق‌العمل‌کاری بین عامل و آمر و طرف قرارداد وجود دارد.^۲

منابع:

- ۱- آخوندی، رضا، *عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه*، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، ج. اول.
- ۲- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، تهران، نشر میزان، ج. اول، ۱۳۷۸، ج. ۲.
- ۳- جمال‌الدین حسن‌بن‌یوسف، (علامه حلی)، *تذکره الفقهاء*، تهران، ۱۳۵۴ ش، انتشارات مرتضوی.
- ۴- ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ج. ۳، ج. ۴.
- ۵- السنهوری، عبدالرزاق، *نظریه العقد*، بیروت، الجمع العلم العربی الاسلامی، ۱۳۹۶ هـ ق.
- ۶- کاتبی، حسینقلی، *وکالت*، تهران، انتشارات آبان، ۱۳۵۷، ج. ۲.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)*، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۱، ج. ۲.
- ۸- _____، *حقوق مدنی، عقود اذنی و وثیقه‌های دین*، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۸، ج. اول، ج. ۳.
- ۹- جعفری، لنگرودی، محمد جعفر، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، ج. ۸.
- ۱۰- معین، محمد، *فرهنگ معین*، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ج. ۱۸، ج. ۴.

۱. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، ج. ۴، نشر میزان و دادگستر، ج. ۳، ۱۳۷۸، صص. ۹۱ و ۹۲.
۲. کاتوزیان، همان، ص. ۱۱۴.